

# نظارت همگانی

## از چند منظر

عباس رجبی

دبیر دروس معارف اسلامی، بخش ساجسرود استان زنجان

### بررسی تطبیقی امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه شیعه، معتزله و اشاعره

اشاره

بررسی تطبیقی مبانی کلامی حکم «امر به معروف و نهی از منکر» که نویسنده محترم در حد بضاعت خویش و مجال این نشریه به آن پرداخته است، موضوع مقاله پیش رو می باشد. از آنجا که درس چهاردهم کتاب دین و زندگی (۲) با عنوان «نظارت همگانی»، به تبیین این واجب الهی اختصاص یافته است، مطالعه این مقاله برای دبیران گرامی مغتنم خواهد بود.

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، که در نصوص دینی بسیار مورد تأکید قرار گرفته، از احکام ضروری و عملی اسلام است. اما پیرامون آن در میان فرق اسلامی اختلافاتی وجود دارد. در تحقیق حاضر تلاش بر آن است که مبانی کلامی امر به معروف و نهی از منکر، از دیدگاه سه فرقه کلامی امامیه، معتزله و اشاعره مورد بررسی قرار گیرد. از این رو به بررسی زوایای مختلف و مرتبط با بحث و بررسی آرای اندیشمندان این سه فرقه پیرامون مباحثی همچون تعریف معروف و منکر، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و سنت، وجوب عقلی یا نقلی آن، وجوب عینی یا کفایی آن، شرایط وجوب و مراتب عملی آن پرداخته شده است.

▲ **کلیدواژه‌ها:** کلام تطبیقی، امر به معروف و نهی از منکر، شیعه، اشاعره، معتزله.

## مقدمه

یکی از برنامه‌های عملی اسلام امر به معروف و نهی از منکر است. برای حفظ جامعه از خطرات و بحران‌های داخلی و همچنین جهت رشد و تعالی جامعه اسلامی، این دو در قرآن به مناسبت‌های گوناگون صریحاً مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در احادیث بسیاری از بزرگان دین نیز بر این مهم تأکید شده است. در طول تاریخ اسلام این اصل با توجه به اهمیتی که دارد و همچنین با توجه به مباحثی از قبیل این که: امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است یا عینی؟ وجوب امر به معروف و نهی از منکر عقلی است یا شرعی؟ شرایط وجوب آن چیست؟ مراتب آن چگونه است؟ همیشه مورد توجه متفکران دینی از جمله متکلمین، فقها و مفسرین از فرقه‌های مختلف اسلامی بوده و بحث‌ها و اختلافاتی را به دنبال داشته است. اما این اصل در بین فقهای تشیع و اهل سنت جزء فروع دین محسوب شده است و بیشتر فقها به امر به معروف و نهی از منکر و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند.

اما در برهه‌ای از تاریخ اسلام و با ظهور معتزله، این گروه امر به معروف و نهی از منکر را جزو اصول پنج‌گانه خود قرار دادند. ویژگی این تکلیف در نظر معتزله دامنه گسترده آن است که همه افعال فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد (انوری: ۳۶۳۴). این اصل در کانون توجه بسیاری از علمای آن زمان قرار گرفت و مباحثی را پیش آورد که گاهی حتی از اختلاف و مشاجره بین علما فراتر رفته و به منازعاتی در بین مردم کوچه و بازار منجر گردید.

در این مقاله در پی آنیم که تا به اندازه توان خود، بتوانیم با استفاده از منابع مختلف از قبیل کتب و مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته در باب این فریضه مورد تأکید قرآن، از دیدگاه متکلمان شیعه، اشاعره و معتزله، آرای ایشان را پیرامون این مبحث مورد بررسی قرار دهیم.

اسلام نباشد و گفته‌اند که امر به معروف و ادابستن به کاری است که موافق کتاب الله و سنت رسول الله باشد و نهی از منکر زشت داشتن چیزهایی است که شریعت و عفت از آن‌ها نفرت دارد و انجام آن‌ها در دین خدای تعالی روا نیست (جرجانی: ۱۶).

## جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و احادیث

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از میان شما گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند. همچنین در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارد.

در سوره لقمان آیه ۱۷ نیز چنین می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءًا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ» ای پسر من نماز را به پا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار.

در احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز بر این اصل بسیار تأکید شده است، از جمله:

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: هیچ چشمی حق ندارد معصیت خداوند را بنگرد و از آن روی گرداند، تا آن که از آن بازدارد یا به کار نیکی بازگرداند (ایچی: ۱۴۲).

از پیامبر اکرم، هنگامی که بر فراز منبر بود، پرسیده شد بهترین مردم چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که پیش از دیگران، مردم را به کارهای نیک فرمان دهند و از کارهای ناپسند بازدارند (کنز العمال، ج ۳، ص ۶۸۹).

در جایی دیگر پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خداست (طبرسی: ۴۸۴).

امیر مؤمنان علی (ع) نیز در اهمیت این دو فریضه می‌فرماید: تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

## امر به معروف و نهی از منکر وجوب عقلی یا نقلی (شرعی)؟

تمامی فرق اسلامی، اعم از امامیه، معتزله و اشاعره بر اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارند، اما در این که وجوب آن عقلی است یا نقلی با هم اختلافاتی دارند که آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

این موضوع ارتباط تنگاتنگی با موضوع حُسن و قُبْح عقلی دارد و این که عقل توانایی تشخیص حسن و قبح اعمال را دارد، اما آیا به صرف تشخیص حسن و قبح یک عمل به وسیله عقل، در انجام یا ترک آن هم الزام ایجاد می‌شود؟ آیا تمامی مطالب موجود در نصوص دینی فقط مؤید تشخیص عقل‌اند؟ یا این که جنبه الزامی دارند؟ دیگر این که آیا شرع نیازی به تأیید یا رد عقل ندارد؟

امیر مؤمنان  
علی (ع) نیز در  
اهمیت این  
دو فریضه

می‌فرماید: تمام  
کارهای نیک  
و جهاد در راه  
خدا در برابر  
امر به معروف  
و نهی از منکر  
چونان قطره‌ای  
بر دریای موج و  
پهناور است





در بین علمای شیعه نیز اختلافاتی در این باب وجود دارد. چنان که شیخ مفید و سید مرتضی وجوب آن را نقلی می‌دانند و شیخ طوسی وجوب آن را عقلی می‌داند، در حالی که علامه حلی و شهید ثانی وجوب آن را هم عقلی و هم نقلی می‌دانند (آقاچانی قناد: ۹۵). شهید ثانی در این باره می‌فرماید: وجوب امر به معروف و نهی از منکر، عقلی است، یعنی عقل آن را واجب می‌داند و آنچه که در آیات و روایات درباره ترغیب به امر به معروف و نهی از منکر آمده جنبه تأکید حکم عقل را دارد (نوری همدانی: ۹۴).

بزرگان معتزلی نیز در این موضوع که دلیل و طریق وجوب امر به معروف و نهی از منکر چیست، اختلاف دارند. برخی وجوب آن را تنها ناشی از شرع دانسته و برخی دیگر به جز شرع، عقل را هم در اثبات وجوب دخیل شمرده‌اند. ابوهاشم جبائی و قاضی عبدالجبار بر آن اند که طریق وجوب به‌جز در یک مورد، فقط شرع است. اما ابوعلی جبائی، ابوالحسین خیاط و ابن ابی الحدید به وجوب عقلی آن نیز اشاره کرده‌اند. چنانکه رمانی نیز از عقلی بودن طریق وجوب سخن گفته است.

در شرح الاصول الخمسة نظر و دلایل هر دو گروه و نیز دیدگاه شارح به تفصیل بیان شده است. مؤلف شرح الاصول الخمسة در بیان دیدگاه ابوهاشم جبائی مبنی بر شرعی بودن طریقه، وجوب در همه موارد جز یک مورد می‌نویسد: «وجوب امر به معروف و نهی از منکر جز با شرع شناخته نمی‌شود و تنها در یک موضع به لحاظ عقلی واجب است و آن در جایی است که کسی مشاهده کند فردی به دیگری ستم می‌کند و به این سبب غم و اندوه او را فراگیرد. در این جا بر او واجب است برای از میان بردن ضرری که از آن اندوه به او رسیده از ستم، نهی و آن را دفع کند، اما در غیر این مورد، وجوب فقط از شرع ناشی می‌شود». مؤلف کتاب دلیل این نظریه را بازگو و به صحت آن حکم می‌نماید: «امر به معروف و نهی از منکر از مسائلی است که از جهت عقل راهی به وجوب آن نیست، زیرا وجوب آن یا برای جلب منفعت است یا برای دفع ضرر؛ جایز نیست به منظور جلب منفعت باشد، زیرا طلب نفع واجب نیست. بنابراین راهی جز آن نیست که بگوییم وجوب آن تنها به‌خاطر دفع ضرر است.»

اشاعره نیز وجوب امر به معروف و نهی از منکر را سمعی و شرعی می‌دانند (ابجی: ۳۷۴).

### امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی یا کفایی؟

حال به این سؤال می‌پردازیم که وجوب این دو فریضه عینی است یا کفایی؟

واجب عینی به واجبی گفته می‌شود که انجام آن بر همه افراد مکلف واجب است و با انجام دادن بعضی، از عهده بعض دیگر ساقط نمی‌شود، مثل نماز و روزه. واجب کفایی واجبی است که وجوب ابتدائی به همه افراد مکلف تعلق گرفته، ولی اگر بعضی آن را انجام دهند از عهده دیگران ساقط شود، مثل نماز میت.

در بین علمای شیعه افرادی مانند سید مرتضی، علامه حلی، شیخ مفید معتقد به کفایی بودن امر به معروف و نهی از منکرند و

برخی دیگر چون شیخ طوسی معتقد به عینیت آن هستند (مرکز تحقیقات سپاه: ۲۲).

ابن ابی الحدید از این بحث با عنوان «کیفیت وجوب» یاد کرده است. صاحب شرح الاصول الخمسة وجوب را کفایی دانسته است: «بدان که مقصود از امر به معروف و نهی از منکر آن است که معروفی پایمال و منکری واقع نگردد. پس هنگامی که به واسطه برخی این مطلوب انجام شد این تکلیف از دیگران ساقط می‌شود، از این رو برآنیم که امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است.» شیخ طوسی در تفسیر خود (التبیین) ابوعلی جبائی را طرفدار عینی بودن وجوب می‌داند. زمخشری و ابن ابی الحدید نیز طرفدار کفایی بودن وجوب‌اند (آقاچانی قناد: ۱۹۵).

اهل سنت و اشاعره این فریضه را همانند اکثر فرق اسلامی واجب کفایی می‌دانند. برای مثال امام الحرمین جوینی نوع وجوب آن را کفایی می‌داند (جوینی: ۱۴۸). قاضی ابجی امر به معروف و نهی از منکر را واجب کفایی می‌داند و نه عینی و می‌نویسد: اگر گروهی آن را به‌جای آوردند از دیگران ساقط خواهد بود (ابجی: ۳۷۴).

### شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر مانند دیگر واجبات، شرایطی دارد که بدون آن شرایط امر و نهی واجب نمی‌شود. به‌طور کلی تکالیف الهی دارای دو نوع شرط‌اند: شرایط عمومی مانند بلوغ، عقل و اختیار. و شرایط اختصاصی مانند شرط استطاعت بر وجوب حج. در بین متکلمان مذاهب مختلف اسلام، در باب مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز مثل دیگر موضوعات اختلافاتی وجود دارد که به بررسی این نظرات خواهیم پرداخت.

از میان علمای امامیه شیخ مفید در اوائل المقالات به این موضوع پرداخته است. وی می‌نویسد: «امر به معروف و نهی از منکر به زبان، واجب کفایی است به شرطی که: ۱. در اقامه حجت نسبت به کسی که معروف و منکر را نمی‌شناسد نیاز به امر و نهی باشد. ۲. در امر به معروف و نهی از منکر مصلحت وجود داشته باشد و به آن مصلحت علم یا گمان قوی داشته باشیم. اما امر به معروف و نهی از منکر با دست، متعلق به سلطان است و بر کسی که سلطان را یاری می‌دهد و یا اذن از او داشته باشد واجب می‌شود. تغییر این شرط نیز جایز نیست» (شیخ مفید: ۱۱۹). نکته برجسته‌ای که در این گفتار وجود دارد آن است که مفید تا مرحله زبان را با دو شرط متوجه عامه مردم، می‌داند اما فراتر از آن نمی‌رود و مراحل پس از آن را مختص امام یا سلطان یا منصوبان او می‌داند. همین نکته اساسی تفاوت دیدگاه مفید با معتزله است.

خواجه نصیرالدین طوسی نیز در تجرید الاعتقاد شرط آن را علم، تأثیر و مفسده نداشتن معرفی می‌کند. علامه حلی نیز در شرح تجرید بر همان نظر خواجه است و چیزی بر آن نمی‌افزاید (حلی، جمال‌الدین: ۵۹۷). سید مرتضی نیز در کتاب جمل‌العلم و العمل می‌نویسد: امر به معروف، به واجب و مستحب تقسیم می‌شود و آنچه متعلق به واجب است، واجب است. نهی از منکر در تمام موارد در صورت وجود شروط، واجب است. شرایط نهی از منکر آن است که ناهی، منکر را

معروف عبارت است از هر کاری که عقلاً و شرعاً بایستنی و مطلوب باشد؛ چه واجب و چه مستحب. منکر عبارت است از هر فعلی که عقلاً یا شرعاً مبعوض و ناپیستنی باشد؛ چه حرام و چه مکروه





در تعیین طریق وجوب امر به معروف و نهی از منکر، امامیه به وجوب شرعی و عقلی معتقد است، معتزله نیز به وجوب عقلی و شرعی معتقد است، ولی اشاعره وجوب آن را تنها از طریق شرع (سمعی) پذیرفته‌اند. در نوع وجوب امر به معروف و نهی از منکر، علمای امامیه و معتزله آن را کفایی و عینی و اشاعره نوع وجوب را تنها کفایی می‌دانند.

در بحث مراتب امر به معروف و نهی از منکر، امامیه و اشاعره البته با اختلافاتی، تا مرحله دست را جایز می‌شمارند؛ در حالی که معتزله تا مرحله شمشیر را جایز می‌دانستند.

بنابراین براساس آنچه در تبیین مواضع فرقه‌های پیشین گفته شد، می‌توان جدول زیر را ترسیم نمود (آقاچانی قناد: ۹۸).

فرقه	طریق وجوب	نوع وجوب	مراتب	جایگاه دینی
معتزله	عقلی / شرعی	کفایی / عینی	تا مرحله شمشیر	اصول
امامیه	شرعی / عقلی	کفایی / عینی	تا مرحله دست	فروع
اشاعره (اهل سنت)	شرعی	کفایی	تا مرحله دست	فروع

بشناسد و احتمال تأثیر دهد و ترس بر جان یا آنچه جاری مجرای آن است نداشته باشد و در نهی از منکر مفسده‌ای نباشد (شریف مرتضی: ۴۲-۴۱). ضیاء الدین جرجانی در رسائل فارسی می‌نویسد: «تا سه شرط حاصل نیاید امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد: اول، باید که معروف را از منکر بازشناسد تا از سر جهل نفرماید. دوم، باید که داند یا گمان برد که سخنش تأثیر کند و سودمند آید. سوم، باید که داند که بدان زبانی به وی یا به مؤمنی دیگر نرسد.» همچنین در باب مراتب نهی از منکر بیان می‌کند: «و نهی از منکر آن است که اول به دست باز دارد و به زبان بگوید و به دل نپسندد. اگر به دست نتواند به زبان بگوید و اگر به زبان نیارد گفتن، به دل نپسندد و از این کمتر نباشد» (جرجانی: ۱۳۱). همین معنا را فاضل مقداد نیز در کتاب ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين مورد تأکید قرار داده است (مقداد، فاضل: ۳-۳۸).

اما معتزله بر آن بودند که هر جا لازم و ممکن باشد، باید از زور استفاده شود. اشعری چنین نوشته است: «معتزله، جز الأصم، بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر با امکان و قدرت، به زبان و دست و شمشیر به هر صورت که از عهده برآیند، اجماع کرده‌اند» (مکدمورت: ۳۷۱). معتزله برای امر به معروف و نهی از منکر شرایط پنج‌گانه‌ای را ترسیم کرده است: ۱. شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲. منکر در آستانه وقوع یا در حال وقوع باشد. ۳. آمر یا ناهی به تأثیر گفتارش علم یا ظن قوی داشته باشد. ۴. امر به معروف و نهی از منکر، زبانی بزرگ‌تر در پی نداشته باشد. ۵. امر به معروف و نهی از منکر موجب ضرر و زیان به جان و مال آمر و ناهی نگردد (ایچی: ۱۴۳-۱۴۲).

در میان علمای اشاعره نیز امام‌الحرین جوینی این فریضه را تا جایی جایز می‌داند که به‌زدن، کشتن و شمشیر کشیدن نینجامد و جواز این‌گونه امور را تنها در دست امام و سلطان می‌داند. سیف‌الدین آمدی نیز هفت چیز را در وجوب این فریضه شرط دانسته است، شروطی همچون تکلیف، علم به معروف و منکر، واجب بودن معروف و حرام بودن منکر، اجماع در وجوب، احتمال تأثیر و عدم تجسس. وی شرط عالم و فقیه بودن آمر و ناهی را نمی‌پذیرد (آقاچانی قناد: ۹۸-۹۷).

امام محمد غزالی نیز در الاربعین، ابتدا به بیان آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از رسول اکرم (ص) درباره وجوب آن می‌پردازد و تأثیرگذاری و ایجاد مفسده نکردن را از شروط و مراحل را از قلب تا زبان برمی‌شمارد و بیش از این را جایز نمی‌داند (غزالی: ۵۴). قاضی عضدالدین ایچی نیز در کتاب شرح‌المواقف می‌نویسد: «امر به واجب، واجب، و امر به مستحب، مستحب است و نهی از حرام، واجب و نهی از مکروه مستحب است» (ایچی: ۳۷۴).

### نتیجه‌گیری

براساس آنچه در تبیین مواضع و نظرات این سه فرقه گفته شد می‌توان چنین گفت وجوب امر به معروف و نهی از منکر مورد توافق همه گروه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی است. اما علمای امامیه و اشاعره (اهل سنت)، امر به معروف و نهی از منکر را جزو فروع دین می‌دانند در حالی که معتزلیان آن را جزء اصول دین می‌دانستند.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آقاچانی قناد، علی، درآمدی به بررسی تطبیقی امر به معروف و نهی از منکر، مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۵۹، پائیز ۱۳۸۵
۴. آقاچانی قناد، علی، امر به معروف و نهی از منکر از نگاه اعتزال، مجله هفت آسمان، شماره ۳۵
۵. انواری، محمدجواد، اصول خمسسه، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۹، شماره ۳۶۳۴
۶. ایچی، قاضی عضدالدین عبدالرحمن، شرح‌المواقف، جلد ۸، انتشارات شریف رضی، قم، بی‌تا
۷. جرجانی، ضیاء الدین، رسائل فارسی، ناشر میراث مکتوب
۸. جرجانی، میرسید شریف، تعریفات، جلد ۱، انتشارات ناصرخسرو
۹. جوینی، عبدالملک، الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد، دارالکتب العلمیة
۱۰. حلی، جمال‌الدین، کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، شارح علامه شعرانی، چاپ دهم، ۱۳۸۳
۱۱. شریف مرتضی، جمل‌العلم و العمل، ناشر مطبعة الآداب
۱۲. شیخ مفید، اوائل‌المقالات، ناشر المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، انتشارات مهر، ۱۴۱۳
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، جلد ۳، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲
۱۴. غزالی، ابوحامد، اربعین فی اصول الدین، ناشر دارالکتب العلمیة
۱۵. مقداد، فاضل، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی (ره)
۱۶. محمدی، علی، شرح کشف‌المراد، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۸
۱۷. مکدمورت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، انتشارات دانشگاه تهران
۱۸. معتزلی، قاضی عبدالجبار، شرح اصول خمسسه، دار احیاء التراث العربی
۱۹. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۲
۲۰. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، مترجم محمد محمدی اشتهاوردی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹